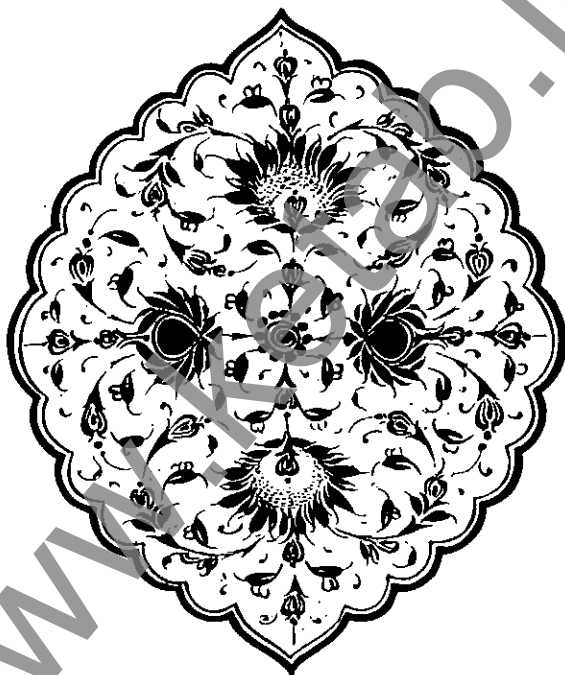


تفسیر و ارکان قرآن کریم



برگزیده از تفسیر مجمع البیان المیزان

محمدرنجی - محمد تقی فیاض بخش



سرشناسه

روحی، محمد، ۱۳۴۴ -

عنوان قراردادی

مجمع البیان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده

المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده

عنوان و نام پدیدآور

تفسیر وازگان قرآن کریم برگرفته از تفاسیر مجمع البیان و المیزان / محمد روحی، محمد تقی فیاض بخش.

مشخصات نشر

تهران: فردا، ۱۳۹۲.

مشخصات ظاهری

ص. ۷۴۴

شابک

۲۸۰۰۰۰ ریال / ۵-۸-۹۴۲۹۸-۹۶۴-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی

فیا

یادداشت

کتاب حاضر اولین بار در سال ۱۳۸۷ تحت عنوان «تفسیر مفردات القرآن فی ترتیب لغات مجمع البیان و المیزان» توسط انتشارات احیا کتاب منتشر شده است.

یادداشت

کتاب حاضر برگزیده ای از کتاب های «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» تألیف فضل بن حسن طبرسی و «المیزان فی تفسیر القرآن» تألیف محمد حسین طباطبائی است.

یادداشت

کتابنامه به صورت زیرنویس.

عنوان دیگر

تفسیر مفردات القرآن فی ترتیب لغات مجمع البیان و المیزان.

موضوع

قرآن -- واژه نامه ها -- فارسی

موضوع

طبرسی، فضل بن حسن، ۴۶۸ - ۵۴۸ ق. مجمع البیان فی تفسیر القرآن -- واژه نامه ها

موضوع

طباطبائی، محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن -- واژه نامه ها

موضوع

تفاسیر شیعه -- واژه نامه ها

شناسه افزوده

فیاض بخش، محمد تقی، ۱۳۳۲-

شناسه افزوده

طبرسی، فضل بن حسن، ۴۶۸-۵۴۸ ق. مجمع البیان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده

شناسه افزوده

طباطبائی، محمد حسین، ۱۲۸۱-۱۳۶۰. المیزان فی تفسیر القرآن. فارسی. برگزیده

رده بندی کنگره

BP ۸۲/۳/۹ت۷۱۳۹۲

رده بندی دیویی

۲۹۷/۱۳

شماره کتابشناسی ملی

۳۰۱۴۴۰۶



﴿جلوه﴾

مؤسسه‌ی فرهنگی هنری جلوه‌ی نور علوی

تلفن

۰۹۱۹۷۰۱۷۶۰۶ و ۳۳۹۸۸۰۴۹

سایت و پست الکترونیک

www.jelveh.org و info@jelveh.org

﴿تفسیر و ارکان تفسیر کریم﴾

برگرفته از تفاسیر مجمع البیان و المیزان

تدوین

حجت الاسلام دکتر محمد روحی

استاد محمد تقی فیاض بخش

ویرایش و بازبینی علمی

محمد علی فیاض بخش، مهدی صداقت

مدیر هنری و طراح جلد

مجید زارع

آماده سازی

محمد رضا بیاتی، سعید خیابانی

صفحه آرا

علی پور صالحی

ناشر

انتشارات فردافر

نوبت چاپ، شمارگان

اول (۱۳۹۲)، ۱۰۰۰ نسخه

لیتوگرافی، چاپ و صحافی

فرایند گویا، ستاره سبز و معین

شابک

۹۷۸-۹۶۴-۹۴۲۹۸-۸-۵

قیمت

۲۸۰۰۰ تومان

مقدمه

قرآن والاترین معجزه‌ی رسول گرامی اسلام ﷺ است؛ کتاب قیمی که در تبیین معارف الهی، نه تنها پروردگاران سابعی معلقه و صاحبان شعر و ادب تازی را مبهور خود نمود، بلکه در طول چهارده قرن نورافشانی بر بشریت و قیومت بر عقل‌ها و قلب‌ها، هیچ کس نتوانست حتی در یک سطر با قرآن هم‌آوردی کند و در تحدی با آن سخنی به عمق و زیبایی کلام الهی بر زبان آورد.

رسول خدا ﷺ درباره‌ی قرآن فرمود:

«إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ مَأْذِبَةُ اللَّهِ تَعَالَى، فَتَعَلَّوْا مِنْ مَأْذِنَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مَا اسْتَطَعْتُمْ»^۱

و اگر صاحب خانه، به میزان کرم و علاقه‌ای که به میهمانان خود دارد، سفره‌ای رنگین با غذاهایی متنوع برای ذائقه‌های گوناگون می‌گسترد، تا هر کس به میزان نیاز و استعدادش از آن بهره برد، خالق قرآن سفره‌ای به پهنای تاریخ بشریت و با میهمانانی به عدد همه‌ی مؤمنان درگاهش گسترده است؛ تا از همه‌ی طبقات آنان، از عالم و عامی، کوچک و بزرگ و زن و مرد، به نحو شایسته‌ای پذیرایی نماید. قرآن دریای بی‌ساحلی است که هیچ غواصی به عمق آن نمی‌رسد، و چشمه‌ی جوشانی است که در گذر زمان هرگز خشک نمی‌شود و عطش جویندگان علم و هدایت را به نحو احسن سیراب می‌کند.

۱. ترجمه: «قرآن که در میان شماست، سفره‌ی گسترده‌ی الهی است؛ پس تا آن جا که می‌توانید از خوان گسترده‌ی پروردگار بهره ببرید.» (وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۱۶۸)

قال على عليه السلام: «تَعَلَّمُوا كِتَابَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَإِنَّهُ أَحْسَنُ الْحَدِيثِ وَ
أَبْلَغُ الْمَوْعِظَةِ، وَتَفَقَّهُوا فِيهِ، فَإِنَّهُ رَبِيعُ الْقُلُوبِ، وَاسْتَشْفُوا بِنُورِهِ، فَإِنَّهُ شِفَاءٌ لِمَا
فِي الصُّدُورِ...»^۲

قرآن کتابی است عمیق که حقیقت آن از سنخ علیینی است، و در لوح
محفوظ و کتاب مکنون در نزد پروردگار حکیم است، و تنها قلوب اولیای مطهرش
به آن گوهر راه دارند.

«إِنَّهُ لَقُرْآنٌ كَرِيمٌ * فِي كِتَابٍ مَكْنُونٍ * لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ»^۳.
«بَلْ هُوَ قُرْآنٌ مَجِيدٌ * فِي لَوْحٍ مَحْفُوظٍ»^۴.

و این حقیقت مطهر هنگامی که مراتب عالم، از ملکوت اعلی تا برزخ قاب
قوسین را در می نورد، لاجرم در عالم دنیا و مرتبه‌ی اسفل السالفین در قالب کلمه و
کلام بر بشر خاکی عرضه می شود؛ تا آن را حبل المتینی در رسیدن به سدره المنتهی
قرار دهد. بی تردید کتابی که نیکوترین سخن و رساترین موعظه‌ها است، می باید در
زیباترین قالب‌ها و دقیق‌ترین محمل‌ها بر عقول انسان‌ها عرضه شود؛ تا میدان بر
تدبر و تعقل صاحبان عقل باز باشد، و هر کس به مقدار لیاقت و ظرفیتش از آبشخور
چشمه‌ی وحی و کتاب هدایت بهره‌مند شود. هر چند که واژگان دنیایی و عباراتی
که برای انتقال معانی مادی و سیفی وضع شده‌اند، هرگز قدرت انتقال همه‌ی آن
معارف بلند و معانی بدیع را ندارند.

«إِنْ ثَوْبًا خِيطَ مِنْ نَسَجِ تِسْعَةِ وَعَشْرِينَ حَرْفًا عَنْ مُعَالِيهِ قَاصِرٌ»^۵

۲. ترجمه: «کتاب خدا را فراگیرید؛ که قرآن بهترین کلام و شیواترین موعظه‌هاست، و در آن عمیق

بیندیشید؛ که قرآن بهار دل‌هاست، و از نور آن شفا طلبید؛ که قرآن شفا‌ی دل‌هاست.» (تحف العقول، ۱۵۰)

۳. ترجمه: «که آن، قرآن کریمی است، * که در کتاب محفوظی جای دارد، * و جز پاکان نمی‌توانند به آن
دست زنند [دست یابند].» (۷۷ تا ۷۹، واقعه)

۴. ترجمه: «(این آیات، سحر و دروغ نیست)، بلکه قرآن با عظمت است... * که در لوح محفوظ جای
دارد!» (۲۱ و ۲۲، بروج)

۵. ترجمه: «لباسی که از ۲۸ حرف بر قامت قرآن دوخته شده، از بیان معارف بلند آن عاجز است»

ولی صاحب قرآن، خود خالق کلام و اصل همه‌ی زیبایی‌ها است؛ و لذا آن حقایق ناب را، ازام کتاب، در بهترین و واژگان و زیباترین ترکیب‌های ادبی و بلاغی، بر قلب مطهر خیر البشر عرضه می‌دارد؛ تا این ظاهر انعکاسی شایسته از آن باطن، و آن باطن جلوه‌ای تام در این ظاهر داشته باشد.

رسول اکرم ﷺ در خطبه‌ی بلیغی پیرامون قرآن فرمود:

«فَإِنَّ التَّكْوِينَ عَلَيْكُمْ الْفَتْنُ كَقَطْعِ اللَّيْلِ الْمُظْلِمِ فَعَلَيْكُمْ بِالْقُرْآنِ، فَإِنَّهُ شَافِعٌ مُشَفِّعٌ وَمَا حِجْلٌ مُصَنَّفٌ، وَمَنْ جَعَلَهُ أَمَامَهُ قَادَهُ إِلَى الْجَنَّةِ، وَمَنْ جَعَلَهُ خَلْفَهُ سَاقَهُ إِلَى النَّارِ وَهُوَ اللَّيْلُ يُدُلُّ عَلَى خَيْرِ سَبِيلٍ، وَهُوَ كِتَابٌ فِيهِ تَفْصِيلٌ وَبَيَانٌ وَ تَخْصِيلٌ، وَهُوَ الْفَضْلُ كَيْفَ بِالْهَزْلِ، وَلَهُ ظَهْرٌ وَبَاطِنٌ، فَظَاهِرُهُ حُكْمٌ، وَبَاطِنُهُ عِلْمٌ، ظَاهِرُهُ أُنْبِئٌ، وَبَاطِنُهُ عَيْبٌ، لَهُ نُجُومٌ وَعَلَى نُجُومِهِ نُجُومٌ، لَا تُخْصَى عَجَائِبُهُ وَلَا تُبْنَى عَرَائِبُهُ، فِيهِ مَصَابِيحُ الْهُدَى وَمَنَارُ الْحِكْمَةِ وَدَلِيلٌ عَلَى الْمَعْرِفَةِ لِمَنْ عَرَفَ الصِّفَّةَ»^۶

و این همه کرامت و ارزش می‌باید در زبانی بر بشر عرضه شود که حتی الامکان تاب تحمل این همه معانی بلند و معارف ناب توحیدی را داشته باشد. و چون زبان و ادبیات عرب در میان سایر زبان‌ها از گستردگی واژگان و غنای ادبی فراوان برخوردار است، خداوند در نه آیه‌ی قرآن تأکید بر عربی بودن قرآن نموده است؛ به گونه‌ای که گویی عربیت قرآن در فهم و ضبط کلام وحی و اسرار قرآن موضوعیت

۶. ترجمه: «هرگاه فتنه‌ها چون شب ظلمانی شما را فراگرفت، بر شما باد به قرآن؛ چون او شفیع است که شفاعتش پذیرفته و شاهدی است که تصدیق شده است. هر کس که او را رهبر خویش گرداند، وی را به بهشت رهنمون می‌سازد و هر کس که بدان پشت یازند، به جهنم سوقش می‌دهد. قرآن روشن‌ترین راهنما به سوی بهترین راه‌هاست. و آن کتابی است که در آن تفصیل امور و بیان حقایق و تحصیل معارف است. و قرآن فاصل میان حق و باطل است و کلامی سبک و بی‌مقدار نیست. قرآن ظاهری دارد و باطنی؛ ظاهر آن حکم و باطنش علم است. ظاهر آن زیبایی است شگفت‌انگیز و باطن آن عمیق. برای آن ستارگانی است و بر ستارگان آن اختران فراوان. عجایب قرآن انتها ندارد و غرایب آن کهنه نمی‌شود. در قرآن چراغ‌های هدایت و راهنمای حکمت و دلیل بر معرفت الهی است؛ برای کسی که صفات را درک کند.» (کافی، ج ۲، ص ۵۹۹)

دارد؛ زیرا تعقل در آیات را مستند به عربیت آن نمود و فرمود:

﴿حَمْدٌ * وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ * إِنَّا جَعَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لَّعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ * وَإِنَّهُ فِي أُمِّ الْكِتَابِ لَدَيْنَا لَعَلِّتَ حَكِيمٌ﴾.^۷

بنا بر این، اولین قدم در فهم معارف قرآن، آشنایی دقیق با واژه‌های قرآنی است. خصوصاً که در زبان عرب، گاه برای یک معنا، الفاظ متعددی وضع نموده‌اند؛ مثال آن که: به اسب، در حالی که برنده‌ی اول میدان اسب‌دوانی است «مَجْلَى» و به اسب دوم، «مَصْلَى» گفته می‌شود؛ و یا نگاه کردن با کلمه‌ی «رُؤْيَا» و «نظر» به کار می‌رود؛ ولی هر کدام تفاوت ظریفی با یکدیگر دارند که نمی‌توان هریک را به جای دیگری به کار برد. و یا حتی برخی واژه‌ها، مثل «قسط»، «قر»، «بیع» و «شراء»، دارای معانی متضاد هستند، که تنها از سیاق عبارت می‌توان معنای آن‌ها را تشخیص داد؛ چنانچه «القاسطون» در آیه‌ی: «وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا»^۸ به معنای «الظالمون» است و «المقسطین» در آیه‌ی: «وَأَقْسِطُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ»^۹ به معنای «العادلین» و یا «رغب عنه» ضد «رغب فيه» است، اولی به معنای «میل کردن» و دومی «اعراض کردن» است، و این همه در کنار قواعد ادبی و بلاغی فراوان است، که هر صاده در ده‌ها هیأت و اشتقاق‌های گوناگون، معانی متعدد دارد.

نتیجه آن که، هیچ زبانی به اندازه‌ی زبان عربی قدرت انتقال کامل و زیبای معانی بلند و نغز را ندارد، و نمی‌تواند این همه ابزار در خلق آثار ادبی ماندگار و اعجاب برانگیز در اختیار صاحب قلم قرار دهد.

بنا بر این، برای آشنایی با ظرافت‌های معانی آیات الهی چاره‌ای جز آگاهی

۷. ترجمه: «حم. * سوگند به کتاب مبین (و روشنگر)، * که ما آن را قرآنی فصیح و عربی قرار دادیم، شاید شما (آن را) درک کنید! * و آن در «أم الكتاب» [لوح محفوظ] نزد ما بلند پایه و استوار است!» (۱) تا: ۴، زخرف)

۸. ترجمه: «و اما ظالمان آتشگیره و هیزم دوزخند!» (۱۵، جن)

۹. ترجمه: «عدالت پیشه کنید که خداوند عدالت پیشگان را دوست می‌دارد.» (۹، حجرات)

از مفردات کلمات قرآن نیست. و در این راستا، علاوه بر واژه‌نامه‌های عمومی در لغت‌تازی، کتاب‌های تخصصی واژه‌شناسی قرآنی نیز از قدیم و جدید تدوین شده، که می‌توان به کتاب «مفردات الفاظ قرآن» نوشته‌ی راغب اصفهانی و کتاب «التحقیق فی کلمات القرآن الکریم» اثر استاد فقید مرحوم دکتر حسن مصطفوی اشاره کرد.

و در این میان دو کتاب تفسیر فخیم شیعی سهم بسزایی در واژه‌شناسی قرآن دارند؛ که اولی «مجمع البیان فی تفسیر القرآن» اثر محقق ذوفنون علامه‌ی طبرسی است؛ و دیگری «المیزان فی تفسیر القرآن» تألیف استاد علامه سید محمدحسین طباطبائی است؛ که به حق، کتاب اخیر نه فقط تفسیر قرآن، بلکه دائرة المعارف شیعی است که حضرت امتداد به مناسبت، ذیل هر آیه نکات گوناگون معارف الهی را در زمینه‌های اخلاقی، اعتقادی، تاریخی و یا اجتماعی، با رویکردی قرآنی بیان کرده‌اند. به لحاظ واژه‌شناسی نیز، در تفسیر «مجمع البیان» ذیل هر آیه، بحث مستقل لغوی در توضیح واژه‌های مشکل آیه ذکر شده، و مؤلف با تسلطی که بر ادبیات و اشعار عرب داشته است، به توضیح و تدقیق در واژه‌ی مزبور پرداخته، و از نکات ادبی و لغوی تفسیر تبیان، اثر شیخ الطائفة علامه‌ی طوسی نیز استفاده‌ی فراوان برده است.

و در تفسیر المیزان نیز، از آن جا که بنای مرحوم علامه بر تفسیر قرآن به قرآن بوده است، و در این راستا «فقه اللغة» آیات نقش محوری در تفسیر قرآن دارد، حضرت استاد در ذیل هر آیه، نکات ارزشمندی را در واژه‌شناسی لغات آیه‌ی مربوطه، با عنایت به سیاق آیه و مقایسه‌ی آن با آیات دیگر، با بهره‌گیری از کتاب مفردات راغب و تفسیر مجمع البیان اشاره کرده‌اند؛ که به حق مجموعه‌ی آن‌ها موسوعه‌ای در فقه اللغة قرآنی است.

ولی مشکل اساسی برای محققین، در هر دو تفسیر نامبرده، آن بود که این نکات در مجموعه‌ی مجلدات تفاسیر مربوطه به صورت پراکنده ذکر شده، و برای

یافتن معنای هر واژه می‌باید به ذیل آیات مربوطه در مجلدات گوناگون این دو تفسیر مراجعه کرد و استقصای آن نیز کار دشواری است.

کتاب حاضر، موسوعه‌ای است از تفسیر مفردات واژه‌های قرآنی، بر اساس این دو تفسیر؛ به گونه‌ای که توضیح و تدقیق در معانی هریک از لغات آیات قرآن، که به مناسبت به طور پراکنده در کل این دو تفسیر وجود داشت، به صورت متمرکز در ذیل هر لغت، و به ترتیب حروف الفبا گردآوری شده؛ تا در حد توان توانسته باشیم قدمی در حل مشکل محققین در واژه‌شناسی قرآنی برداریم. در این جا لازم می‌دانیم قبلاً توضیحاتی حضور خوانندگان گرامی عرضه بداریم:

۱. نظم چینشی لغات بر اساس کتاب لغت مفردات مرحوم راغب اصفهانی است.

۲. در اختلاف ریشه‌ای لغات، از قبیل لغت «اسم» که از «وسم» اخذ شده یا «سمو» و یا «أحد» که از ماده‌ی «وحد» گرفته شده یا «أحد» مبنا را تفسیر المیزان قرار دادیم؛ هر چند به سایر نقلی‌ها نیز اشاره شده است.

۳. آدرس منابع از ترجمه‌ی تفسیر مجمع البیان، انتشارات فراهانی، چاپ ۱۳۶۰، و ترجمه‌ی المیزان دفتر انتشارات اسلامی جامعه‌ی مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، چاپ ۱۳۷۴، می‌باشد.

در پایان لازم می‌دانیم از همه‌ی عزیزان و محققان بزرگوار، خصوصاً آقایان مهدی صداقت و محمدعلی فیاض‌بخش که در پدید آوردن این اثر تلاش فراوان نموده‌اند، کمال قدردانی را بنمائیم، و توفیق روز افزون آنان را از درگاه خداوند متعال خواستاریم.

محمد روحی، محمد تقی فیاض‌بخش